

بررسی اهمیت ژئوپلیتیکی کشورهای حوزه دریای خزر

اعظم یوسفی^۱

چکیده

حوزه دریای خزر یکی از مناطق مهم نفت خیز جهان به شمار می‌آید و کشورهای حاشیه آن جمعاً ۱۵ درصد ذخایر نفت و ۵۲ درصد ذخایر گاز جهان را در اختیار دارند.

نظام سوسیالیستی شوروی سابق سالهای سال تنها تولید کننده نفت و گاز از منابع دریای خزر بود. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، امکان بهره برداری از این منابع برای پنج کشور ایران، آذربایجان، ترکمنستان، قزاقستان و روسیه فراهم شد. از دیدگاه ایالات متحده، دریای خزر یکی از دو منطقه بسیار مهمی است که می‌تواند پاسخگوی تقاضای روزافزون جهان برای انرژی باشد. و به این دلیل باید در کنترل مؤثر آن قدرت قرار گیرد.

در مورد ذخیره نفت خزر برآوردهای گوناگونی از حداکثر ۲۰۰ میلیارد بشکه تا حداقل ۳۰ تا ۴۰ میلیارد بشکه وجود دارد. ۹۰ میلیارد بشکه رقمی است که بیشتر شرکت‌ها در منطقه بکار می‌برند. (۱) با در نظر گرفتن این حقیقت که دو کشور منطقه ای خزر یعنی روسیه و ایران، بیش از ۷۰ درصد ذخیره گاز طبیعی جهان را دارا هستند، می‌توان اهمیت فراوانی برای خزر- آسیای مرکزی در امر انرژی گازی برشمرد، اما در حقیقت و در عمل این گونه نیست. ذخایر گاز هر دو کشور در بخش‌هایی دور از منطقه خزر واقع شده‌اند. برخی از اندیشمندان آمریکایی در ژئوپولیتیک جدید ترکیبی از دو منطقه مهم انرژی زای خلیج فارس و دریای خزر به عنوان دو منبع مهم انرژی را بیضی استراتژیک انرژی «The Strategic Energy Ellipse» نامیده‌اند که ایران را در میان گرفته است.

کشورهای این منطقه علی‌رغم دارا بودن ژئوپولیتیک مشترک دارای نگرش‌های متفاوت می‌باشند. حال این سؤال مطرح است که «عوامل تاثیرگذار بر تحولات ژئوپولیتیک کشورهای حوزه دریای خزر کدامند؟» به نظر می‌رسد موقعیت ژئوپولیتیک جدید حوزه دریای خزر ناشی از عواملی چون ملیت، جمعیت، اقتصاد و غیره بوده است. و در این مقاله به بررسی اهمیت ژئوپولیتیک کشورهای حوزه دریای خزر بخصوص جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد.

کلید واژگان: ژئوپولیتیک - استراتژی - کشورهای حوزه دریای خزر - قدرتهای فرامنطقه‌ای

۱. استاد یار دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه ، Email: ayousefi_geo@yahoo.com

مقدمه

کاوش ها و بررسی های باستان شناسی نشان می دهد که در حدود ۱۵۰۰ سال پیش از میلاد چند قوم که با یکدیگر همزمان بوده اند در تمام سواحل جنوبی دریای خزر مستقر گردیده اند. تمدن غار «هوتو» و غار «کمربند» که از حدود ده هزار سال پیش در مازندران آغاز شده بود احتمالاً دنباله پیدا نکرد. این منطقه میزبان قبایل و جوامع متعددی بوده است. ساکنان اولیه این منطقه از جمله مادها، ترکمن ها، اقوزها، پارسیان و قزاق ها در کنار ساکنان موقتی آن مانند عرب ها و مغول ها، تنوع نژادی سواحل دریای خزر را رونق بخشیده اند. اقوام مذکور فرهنگ ها، مذاهب، مراسم و عقاید نیاکان خود را نیز به این منطقه آوردند و بدین وسیله کثرت و تنوع فرهنگی، مذهبی و نژادی دریای خزر را تشکیل داده اند. (۲)

به هنگام فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، دریای خزر عملاً مورد استفاده انحصاری آن قدرت بود قرارداد ۱۸۲۸ ترکمنچای و قرارداد ۱۸۸۱ تهران مرزهای ایران و روسیه تزاری و ایران را در دو سوی دریای خزر به گونه ای تنظیم کرد که بیش از ۸۵ درصد کرانه های این دریا در قلمرو روسیه (شوروی) و کمتر از ۱۵ درصد از کرانه های آن در قلمرو ایران قرار گرفت. آشکار است که یک چنین ترتیبات جغرافیایی - سیاسی نمی توانست خزر را به دو بخش مساوی میان ایران و شوروی پیشین تقسیم کند و به دلیل همین وضعیت جغرافیایی - حقوقی ایران نمی توانست مدعی پنجاه درصد دریا شود.

هدف از این بحث توجه دادن به این حقیقت است که مشکلات مربوط به حق و حقوق ایران در دریای خزر از وضعیت جغرافیایی ناشی نیست، بلکه این مشکلات، در گذشته یکسره به برخورد سیاسی روسیه تزاری و شوروی پیشین با حق و حقوق ایران مربوط بوده است. (۳)

لذا کشورهای فرامنطقه ای اکنون می خواهند در این حوزه حضور داشته باشند. بنابراین آنها از ابزارهای اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و تشدید بحران های قومی - مذهبی بهره می برند. مقاله حاضر بر آن است که اهمیت ژئوپلیتیکی هر یک از کشورهای حوزه دریای خزر را توضیح دهد. نقشه زیر موقعیت کشورهای ساحلی منطقه را نشان می دهد.



شکل ۱: موقعیت کشورهای ساحلی منطقه خزر

حوزه دریای خزر: انرژی و ژئوپلیتیک

یکصد سال پیش «بازی بزرگ» میان روسیه و بریتانیا، یک رقابت ژئوپلیتیکی را در امتداد یک نوار سرزمینی که از بسفر، سرتاسر قفقاز، تا دریای خزر، آسیای میانه و در کوه های هندوکش جریان داشت، ایجاد نمود. در آن زمان نگرانی بریتانیا استعمار آسیای میانه به دست شوروی و به موازات آن احداث خط آهن فراخزری به بخارا و سمرقند

بود. امروزه یک بازی بزرگ جدید میان کشورهای حوزه دریای خزر و قدرتهای خارجی عمده از جمله ایالات متحده در خصوص انرژی این منطقه وجود دارد.

ذخایر نفت و گاز برآورد شده حوزه دریای خزر بسیار وسیع بوده و ممکن است به میزان ۲۰۰ میلیارد بشکه نفت و ۲۷۹ تریلیون فوت مکعب گاز طبیعی باشد. گرچه بیشتر تحلیل گران نفتی رقم ۹۰ میلیارد را برای نفت این منطقه به کار می برند. (۴) این منابع انرژی حاکی از یک گنجینه بالقوه برای اقتصادهای در حال تنازع بقای پنج کشور ساحلی و همسایگان نزدیک آن است. کشورهای روسیه، ایران، آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان همگی دارای ذخایر نفت و گاز طبیعی می باشند. و در همان حال کشورها و شرکتهای منطقه ای و بین المللی امیدوارند تا بتوانند کنترل مسیرهای ورودی را که صادرات نفت و گاز طبیعی دریای خزر از آن مسیرها امکان پذیر است، به دست گیرند. سه عنصر ژئوپلیتیک در مورد انرژی دریا خزر مطرح اند که نگرانی های عمده ای ایجاد می کنند: مالکیت منابع، میزان هیدروکربن موجود برای استخراج و تولید و توزیع که شامل هزینه های مستقیم و هزینه های زیست محیطی نیز می شود.

در حقیقت آن چه که انرژی رو به توسعه دریای خزر را یگانه می سازد، مسأله مالکیت و جغرافیای آن است. کنترل دریای خزر تا سال ۱۹۹۱ به دست اتحاد شوروی و ایران بود. همه ۵ کشور ساحلی دریای خزر با موانع بزرگ اقتصادی و سیاسی که توانایی آنها را برای صادرات انرژی محدود می سازد، مواجه می باشند. سه تولید کننده اصلی نفت و گاز یعنی آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان در محاصره دیگر کشورها واقع شده اند و همانگونه که اشاره کردیم، آنها قادر نیستند بدون عبور از قلمرو کشوری دیگر انرژی خود را به بازار صادر کنند. جالب توجه است که در طی تاریخ طولانی و آشفته مبادلات نفتی، مسأله عبور نفت از مرزها به ندرت پیش آمده است. در گذشته تمامی کشورهای بزرگ صادر کننده نفت و گاز الجزایر، آنگولا، بحرین، برونئی، کانادا، کلمبیا، مصر، ایران، اندونزی، عراق، کویت، لیبی، مکزیک، نیجریه، نوژ، قطر، عمان، رومانی، روسیه، عربستان سعودی، امارات عربی متحده، ایالات متحده و ونزولا، دسترسی مستقیمی به راه های کشتیرانی جهان داشته اند.

طی سال های متمادی، شرکتهای نفتی چند ملیتی بزرگ می توانستند به طور دوجانبه و جداگانه با کشورها وارد مذاکره شوند و فرآورده های نفتی خود را بدون کمترین نیازی به همکاری با کشورهای همسایه خود به بازار عرضه نمایند. بنابراین معاملات ساده و آسانی که شرکتهای نفتی آمریکایی با عربستان سعودی قبل از جنگ جهانی دوم و بسیاری از شرکتهای در دهه ۱۹۶۰ با لیبی انجام می دادند، بازتاب شیوه انجام معاملات نفتی در آن زمان بود. اما در منطقه خزر عمده شرکتهای انرژی خارجی همانند کشورهای تولید کننده باید با کشورهای همجوار خود- به ویژه روسیه- وارد مذاکره شوند و اگر قرار باشد نفتی صادر شود، ضروری است طرفین به موافقت نامه های دوجانبه قابل قبولی دست یابند. اگر همه طرفها با هم همکاری نکنند، نفت و گاز همچنان در زیر زمین باقی خواهند ماند.

روسیه سعی کرده است تا از تکنیک بازوی قوی برای در کنترل گرفتن مسیرهای کلیدی آذربایجان و قزاقستان استفاده کند. معضلات ایران نیز به روابط نامناسب آن کشور با ایالات متحده و نیز دشواریهای آن در جذب سرمایه گذارهای مورد نیاز برای توسعه ذخایر عظیم گاز طبیعی دست نخورده آن کشور و نیز ناتوانی در جهت بهره برداری از موقعیت جغرافیایی خود همچون مسیری برای عبور نفا و گاز همسایگانش برمی گردد. (۵)

وضعیت دریای خزر و سفر

براساس قرارداد ۱۹۲۱ مسکو، که در سال ۱۹۳۵ مجدداً مورد تأیید قرار گرفت، دریای خزر که در خشکی محصور شده است - به روسیه و پرشیا (ایران) تعلق داشت و از آن به «دریای شوروی و ایران» یاد می‌گردید. (۶) روسیه امروز این داعیه را مطرح می‌سازد که دریای خزر باید از نظرگاه حقوقی به مثابه مالکیت مشترک - که تمامی کشورهای هم‌جوار از جمله جمهوریهای تازه استقلال یافته، روسیه و ایران را شامل می‌شود - تلقی گردد که این امر به طور مؤثری تلاشهای هر کشور برای بهره‌برداری یکجانبه از منابع این دریا در خطوط مرزی آن کشور را غیرقانونی دانسته و به تقسیم تمام دریا میان کشورهای هم‌جوار با خطوط ساحلی و فواصل مساوی خواهد انجامید. بوریس یلتسین رئیس جمهور وقت روسیه چنین استدلال نمود که: «دریای خزر یک دریای داخلی ویژه است و نمی‌تواند تقسیم گردد... این مهم به نفت و گاز هم ارتباط پیدا می‌کند.»

موضع روسیه با این حقیقت که دریای خزر از جانب پرشیا (ایران) و اتحاد شوروی و روسیه، به منزله یک دریای واحد (که در آن هنگام فاقد محدوده مرزی رسمی بود) تلقی شده بود، حمایت می‌شد. در مورد سوابق این موضوع به یک مورد استثنایی در خصوص حاکمیت مشترک بر مجموعه آبهای بسته و نیمه بسته - به مورد خلیج فونسکا^۱، که قبلاً به یک کشور واحد (اسپانیا) تعلق داشت و امروزه با کشورهای السالوادور، هندوراس و نیکاراگوئه هم مرز شده است بر می‌خوریم - که دیوان دادگستری بین المللی برای تجزیه و تقسیم این مجموعه واحد در پی ظهور کشورهای ساحلی جانشینی، هیچ سود و نفعی تشخیص نداد. ایران و روسیه هر دو منافع مشترکی در مفهوم «دریای داخلی» دارند، زیرا اعتقاد بر این است هیچ یک از این دو کشور در بخش های خاصی از دریا، دارای منابع هنگفتی نیستند. (۷) اختلافات بر سر دریای خزر با یک مشاجره قدیمی میان ترکیه و روسیه بر سر تنگه های ترکیه همزمان شد. این تنگه ها چند مسیر مهم صادرات انرژی از جمهوری های سابق شوروی را در بر می‌گیرد. پیمان ۱۹۳۶ مونتر^۲ ترکیه را از تحدید کشتیرانی بازرگانی روسیه از میان تنگه های بسفر منع می‌کند. هرچند به نظر می‌رسد که ترکیه خود را برای بسیج افکار عمومی و طرفداران محیط زیست جهت محدود ساختن انتقال نفت روسیه از طریق این آبراه مهیا ساخته است و دیگر امکانات خود برای انتقال نفت دریای خزر به دریای مدیترانه از طریق خط لوله ای که دریای سیاه را دور می‌زند، به کار خواهد گرفت. (۸)

موقعیت ژئوپلیکی جدید حوزه دریای خزر

فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در اوایل دهه نود و پایان گرفتن جنگ سرد، تحولات بسیار عظیمی در موقعیت ژئوپلیکی جهان به وجود آورد. یکی از مهمترین مناطقی که تاثیر آن مشهود است، حوزه دریای خزر می‌باشد. این حوزه از لحاظ موقعیت جغرافیایی، ذخایر غنی نفت و گاز و کشورهای تازه استقلال یافته در منطقه دارای اهمیتی خاص است. پنج کشور این حوزه با بیش از ۲۴۵ میلیون نفر جمعیت و برخورداری از ذخایر عظیم انرژی فسیلی و

۱ GULF of fon seca

۲ MONTREUX

موقعیت ژئوپلیتیکی ممتاز، کانون توجه بین‌المللی و محل رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی شده و این موقعیت ویژه، قابلیت‌های مناسبی را در سطح بین‌المللی در زمینه‌های ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیک پدید آورده است. وجود دریاچه دریای خزر ارتباط آسیای مرکزی و قفقاز را با ایران و روسیه میسر می‌سازد و از این طریق کشورهای حوزه خلیج فارس و دریای سیاه و مدیترانه و پاکستان و افغانستان می‌توانند با یکدیگر ارتباط برقرار نمایند و در نهایت با اروپا آسان‌تر رابطه برقرار نمایند و مجموعه این عوامل جغرافیایی، زمینه‌های مناسبی برای سرمایه‌گذاری فراهم کرده است. اما به رغم این قابلیت‌ها و اگرایی سیاسی و اقتصادی کشورهای منطقه، نامشخص بودن رژیم حقوقی دریای خزر و اختلاف در آن و کشمکش بر سر میدان‌های نفتی و دخالت‌های قدرت‌های فرامنطقه‌ای سبب ایجاد بحران‌های شدید سیاسی و نظامی و زیست‌محیطی شده است که این تهدیدات چشم‌انداز ساختار ژئوپلیتیکی کشورهای حوزه دریای خزر را به مخاطره انداخته است.

ادامه یافتن این روند فرصت‌های سرمایه‌گذاری متقابل و بین‌المللی را از بین می‌برد و رویارویی کشورهای منطقه با چالش‌هایی در مسائل داخلی و منطقه‌ای، بر شدت مسئله نیز می‌افزاید و عدم هوشیاری آنان به منافع بلندمدت منطقه آسیب جدی وارد می‌سازد و رقابت قدرت‌های جهانی را در حوزه ژئوپلیتیکی دریای خزر افزایش می‌دهد. از این رو، لازم است به اهمیت ژئوپلیتیکی هر یک از کشورهای حوزه دریای خزر پرداخته شود. (۹)

اهمیت ژئوپلیتیکی و مرزهای جمهوری آذربایجان

جمهوری آذربایجان با ۸۶۶۰۰ کیلومتر مربع مساحت از سمت شمال غربی دارای ۷۵۶/۸ کیلومتر خط مرزی مشترک (۱۷۸/۷ کیلومتر مرز خشکی و ۵۷۸/۱ کیلومتر مرز آبی) با ایران می‌باشد. خط مرزی دو کشور از سمت شمال بندر آستارا و و مصب رودخانه آستارا شروع و در امتداد مسیر این رودخانه به سمت غرب و شمال غرب امتداد می‌یابد. مسیر مرز در این قسمت جنگلی و کوهستانی است. خط مرزی پس از ۳۳ کیلومتر به خشکی می‌رسد. پس از طی مسافتی ۱۲۰ کیلومتری، به خط مرزی بالهارود می‌رسد و ۹۰ کیلومتر از مسیر این رودخانه متابعت می‌کند. خط مرزی دو کشور در «بالهارود» تا «بیله سوار» ادامه پیدا می‌کند و از این نقطه خط مرز به سمت شمال غرب تغییر مسیر داده و در امتداد ناحیه دشتی (دشت مغان) به خط مستقیم از نوع مرزهای هندسی ادامه یافته تا به رود ارس می‌رسد. (۱۰)

آذربایجان از غنی‌ترین کشورهای نفت‌خیز منطقه اوراسیاست که سابقه طولانی استخراج نفت و گاز را دارد و یکصد سال پیش این جمهوری نیمی از نفت مصرفی جهان را تولید می‌کرد. جمهوری آذربایجان در تاریخ ۲۱ دسامبر ۱۹۹۱ اعلامیه آلمانی را همراه با سایر کشورهای کرانه‌ای خزر در مشترک‌المنافع کشورهای مستقل امضاء کرد و براساس آن رسماً پذیرفت که تعهدات بین‌المللی ناشی از قراردادها و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی امضاء شده از سوی اتحاد جماهیر شوروی پیشین را محترم بشمارد. برخلاف این تعهد که اصولاً باید سبب توجه جمهوری آذربایجان به تمایل گنجانده شده در مفاهیم و محتوای دو قرارداد ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ به رژیم حقوقی مشاع شود، باکو پافشاری دارد که دریای خزر را باید یک دریای آزاد تلقی کرد و به این دلیل مفاد ماده ۱۲۲ کنوانسیون ۱۹۸۲ سازمان ملل متحد در مورد دریاها باید در مورد دریای خزر اجرا گردد. این ماده دریای نیمه بسته را خلیج بدنه‌ای از آب، یا دریایی تعریف می‌کند که

میان چند کشور احاطه شده و از راه یک تنگه یا باریکه آب، به دریای آزاد و یا اقیانوس متصل باشد و یا به گونه ای کامل بخشی از آب های سرزمینی یا مناطق اقتصادی انحصاری دو یا چند کشور کرانه ای به شمار آید. بر پایه این تعریف باکو با تعیین ۱۰ منطقه آبی به گستره تا ۴۵ مایل منطقه اقتصادی انحصاری برای هر یک از کشورهای کرانه ای موافق است. روسیه با قابل اجرا بودن ماده ۱۲۲ کنوانسیون ۱۹۸۲ دریاها در مورد دریای خزر مخالف است.

دولت روسیه در یادداشتی خطاب به سازمان ملل متحد در تاریخ ۵ اکتبر ۱۹۹۴، استدلال کرد که دریای خزر را نمی توان یک دریا نیمه بسته تلقی کرد. جمهوری آذربایجان همچنین استدلال می کند که از نظر قلمرو سرزمینی، اتحاد شوروی پیشین خطوطی مرزی میان جمهوری های عضو ترسیم کرده بود که براساس قوانین شوروی پیشین، این خطوط مرزی تابع مقررات حقوق بین الملل شمرده می شد. این خطوط که برای جدا کردن مناطق صنعتی جداگانه ترسیم شده بود، باید در مورد ادعاهای مربوط به آب های کرانه ای در دریای خزر نیز مصداق داشته باشد. (۱۱)

آذربایجان دارای منابع طبیعی عظیمی همچون نفت، گاز، معادن غنی (آهن، آلومینیوم، مس، جیوه، طلا، سدیم، منیزیم، مصالح ساختمانی، سرامیک و چینی، سنگ های نیمه قیمتی، آب های معدنی) و همچنین بیش از ۸۳۵۰ رودخانه و ۴۰۰ دریاچه است که بر اهمیت هرچه بیشتر آن می افزاید. از سپتامبر سال ۱۹۹۴ تاکنون آذربایجان قراردادهای متعددی با کمپانی های نفتی سراسر جهان مبنی بر افزایش سرمایه گذاری در صنعت نفت امضاء کرده است.

طبق برآورد کارشناسان صنعت نفت، میزان تولید نفت در آذربایجان و کشورهای همسایه آن به اندازه میزان تولید نفت و کویت خواهد رسید. (۱۲) (احمدی سفورکی و میررضوی ۱۳۸۴/۱۰۹)

همچنین نحوه انتقال نفت و گاز آذربایجان به بازارهای غرب نیز از مسائل مهم ژئوپلیتیکی به شمار می آید که در این میان روسیه، شهر بندری «نوروسیسک»^۱ در دریای سیاه را پیشنهاد می کند. دولت جمهوری اسلامی ایران، کشور خود را به عنوان ارزان ترین راه انتقال انرژی معرفی می کند و کشورهای آمریکا، گرجستان، ترکیه و آذربایجان از خط لوله باکو- جیحان برای انتقال نفت و گاز به کشورهای دیگر حمایت می کنند.

از سوی دیگر دریاچه دریای خزر و عدم دستیابی آن به دریاهای بزرگ موجب شده تا آذربایجان از توسعه و ارتباط با کشورهای دیگر تا حد زیادی دور بماند. (احمدی لفورکی و میررضوی، ۱۳۸۴ و ۱۰۷)

اهمیت ژئوپلیتیکی و مرزهای ترکمنستان

کشور ترکمنستان با ۴۸۸/۱۰۰ کیلومترمربع مساحت، ۱۱۸۸۹/۹ کیلومتر مرز مشترک با ایران دارد که از این میزان ۷۸۶ کیلومتر آن را مرز خشکی ۴۰۳/۹ کیلومتر آن را مرز آبی تشکیل می دهد. خط مرزی از سمت جنوب و از خط تالوگ هریرود واقع در ۱۱ کیلومتری شرق مرکز بخش صالح آباد در محل پاسگاه مرزی خط مرزی دو کشور شروع می شود. خط مرز به طول ۱۴۶ کیلومتر به سمت شمال بر خط تالوگ هریرود منطبق است. پس از اینکه این رودخانه به تجن تغییر نام داد خط مرز ۲۴ کیلومتر از خط تالوگ آن را طی می کند تا به خشکی می رسد.

ترکمنستان در سال ۱۹۹۲، با تصویب قانونی، منطقه ای به گستره ۱۲ مایل از خط کرانه ای در دریای خزر را، منطقه آب های کرانه ای (آب های سرزمینی) آن کشور اعلام کرد و خواهان تعیین منطقه اقتصادی انحصاری ترکمنستان در

۱ NOVOROSSIYSK

خزر شد. حرکت به سوی این گونه مقررات گویای پشتیبانی ترکمنستان از دیدگاه مربوط به تقسیم دریا، در منطقه پیوسته به کرانه هاست آنگونه که روسیه اعلام کرده است، نه آنگونه که جمهوری آذربایجان پیش کشیده و پیگیری می‌کند. با این حال جمهوری ترکمنستان نیز، همانند جمهوری آذربایجان و قزاقستان، امتیازهایی برای اکتشاف، استخراج و صدور نفت به شرکت های نفتی باختر زمین واگذار کرده است. آشکار است که دارای امتیاز استخراج و صدور نفت، با ویژگی هایی چنین، با ایده مشاع بودن رژیم حقوقی دریای خزر تناقض دارد. در همان حال، عشق آباد به اعتبار حقوقی تلاش های اکتشافی کمپانی هایی که از جمهوری آذربایجان امتیاز گرفته اند، اعتراض دارد و مدعی است که برخی از این تلاش ها ناقض حقوق ترکمنستان است. به هر حال بی پاسخ ماندن هشدارهای عشق آباد و عدم پیشرفت تلاش ها برای حل اختلافات با جمهوری آذربایجان بر سر حوزه نفتی دریایی کی یا پاز (سردار) سبب دلسردی ترکمنستان شده است. به دلیل همین دلسردی ها بود که عشق آباد در اکتبر سال ۲۰۰۷ از سازمان ملل متحد خواست برای حل مسأله رژیم حقوقی دریای خزر مداخله کند. ادعای سال ۲۰۰۰ برخی از سخن گویان ایالات متحده در خزر در زمینه پیروزی میانجی گری های آمریکایی برای حل این اختلافات، در عمل ثابت شد که ادعایی بی اساس بود. (۱۳)

ترکمنستان در آسیای مرکزی به لحاظ شرایط خاص جغرافیایی، از موقعیت بسیار مطلوبی برخوردار است. ارتباط این کشور با ایران، دسترسی به خاورمیانه، ترکیه، خلیج فارس و پاکستان را بسیار آسان می کند. و به همین دلیل ترکمنستان می تواند نقش مؤثری را در آسیای مرکزی ایفا کند. از سوی دیگر ترکمنستان دروازه ورود به آسیای مرکزی و تنها راه مناسب جهت دسترسی کشورهای دیگر به کشورهای آسیای مرکزی به شمار می آید. این کشور در مسیر جاده ابریشم که از زمان های دور به عنوان راه ارتباطی خاور دور با اروپا تلقی می شد، قرار گرفته است.

ترکمنستان از یک سو با ایران و در ناحیه شرقی با کشور افغانستان هم مرز است که پیوسته در منازعات نظامی داخلی غوطه ور بوده و سرایت تنش های داخلی افغانستان به مرزهای شرقی ترکمنستان، همواره موجب نگرانی مقامات این کشور شده است. عدم ثبات در تاجیکستان، موضوع ترکمن های ساکن در سرحدات تاجیکستان و اختلاف با آذربایجان در مورد نحوه بهره‌برداری از منابع دریاچه دریای خزر بخصوص میدان های نفتی سردار (کاپاز) و قسمتی از میدان های نفتی خزر (آذری) و عثمان (چراغ) از دیگر مسائل مهم ژئوپلیتیک ترکمنستان به شمار می آیند. جمهوری ترکمنستان از امکانات بالفعل و بالقوه اقتصادی بالایی برخوردار است و وجود منابع طبیعی غنی و سرشار در مقایسه با وسعت و جمعیت فعلی می تواند چشم انداز خوبی را برای این کشور رقم بزند. ذخایر شناخته شده گاز این کشور دو برابر دریای شمال و چهار برابر خلیج مکزیک است. این کشور سالانه ۸۰ میلیارد مترمکعب گاز تولید می کند و در دنیا مقام چهارم را به خود اختصاص داده است. ۹۶ درصد از این گاز جهت صادرات مناسب است. (۱۴) (احمدی لفورکی و میررضوی، ۱۳۸۴ و ۳۴۹)

اهمیت ژئوپلیتیکی جمهوری قزاقستان

کشور قزاقستان تنها جمهوری آسیای مرکزی است که با دو کشور بزرگ روسیه ۶۸۴۶۱ کیلومتر و چین ۱۵۳۳ کیلومتر مرز مشترک دارد. و در بخش غربی در دریاچه دریای خزر دارای ساحل می باشد. همسایگان دیگر قزاقستان در آسیای مرکزی شامل ازبکستان، ترکمنستان و قرقیزستان می شوند. (۱۵)

جمهوری قزاقستان درخصوص دریای خزر دیدگاهی را پیگیر است که با دیدگاه جمهوری آذربایجان نزدیکی هایی دارد. قزاقستان براساس این استدلال که کانال ولگا- دن خزر را به دریاهای آزاد وصل می کند، بر این باور است که خزر باید یک دریا فرض شود تا مشمول مقررات بین المللی حاکم بر دریاها شود. استراتژی قزاقستان در این باره، به گونه ای همزمان، از دو هدف ریشه می گیرد: اجرای پروژه های خود در خزر و جلوگیری از درگیر شدن با روسیه در اعلامیه های رسمی خود، قزاقستان در چند نوبت نکات اصلی استدلال های جمهوری آذربایجان را مورد پشتیبانی قرار داده است: اینکه همه کشورهای کرانه ای باید نسبت به منابع دریای خزر که در محدوده آب های سرزمینی و فلات قاره آنها واقع شده، حق اعمال کنترل انحصاری داشته باشند. وزیر خارجه قزاقستان، در سال ۱۹۹۵ تا آنجا پیش رفت که مدعی شد پیمان های دوستی و همکاری ۲۶ فوریه ۱۹۲۱ و ۲۵ مارس ۱۹۴۰ میان شوروی پیشین و ایران، آب های دریای خزر را براساس خط فرضی آستارا- خلیج حسینقلی میان دو کشور تقسیم کرده است.

نه تنها باتوجه به محتوای دو پیمان یاد شده، این ادعا بی پایه است. بلکه تا فروپاشی شوروی پیشین هیچ منبع رسمی از آن دولت چنین ادعایی را پیش نکشیده بود. با این حال قزاقستان در مورد پیشنهاد اخیر روسیه در زمینه تحدید حدود برخی از مناطق کرانه ای ابزار علاقه نموده و از مواضع روسیه در زمینه حل مسأله رژیم حقوقی دریای خزر توسط پنج کشور کرانه این دریا، پشتیبانی کرده است. در همان حال، در مورد بهره برداری از منابع انرژی دریای خزر قزاقستان موضعی جدید بر پایه این استدلال اتخاذ نموده که ادامه اختلاف نظر در مورد مسأله رژیم حقوقی دریای خزر نباید مانع از توسعه سریع منطقه و بهره برداری از منابع آن از جمله اجرای پروژه های نفتی در آب های کرانه خزر شود. (۱۶)

قزاقستان به دلیل وجود گروه های افراطی و تندرو در منطقه ای مملو از چالش و تنش واقع است، با ویژگی های مهمی مانند: سازگاری و هماهنگی عمومی و نژادی، برخورداری از منابع طبیعی ارزشمند و ثبات سیاسی، نقس اساسی را در سطوح منطقه ای و بین المللی ایفا می کند. این کشور به عنوان چهارمین سازنده و تولید کننده تسلیحات و تجهیزات هسته ای و دارا بودن بیش از هزار گروه قومی و نژادی از اهمیت خاصی برخوردار است. البته لازم به ذکر است که قزاقستان با بستن سایت آزمایش های هسته ای خود در سال ۱۹۹۱، انتقال تمامی کلاهک های هسته ای در سال ۱۹۹۶ و انهدام کارخانه های سازنده تسلیحات اتمی، نخستین کشوری است که داوطلبانه به سوی خلع سلاح هسته ای گامی تاریخی برداشته است. این کشور همچنین به عضویت پیمان منع گسترش سلاح های هسته ای، پیمان منع جامع آزمایشات هسته ای و گروه های حفاظت آژانس بین المللی انرژی اتمی درآمده و به عنوان نخستین کشور قوانین مربوط به نظارت بر صادرات بر صادرات سلاح های هسته ای را به تصویب رساند. (احمدی لغورکی و میررضوی، ۱۳۸۴، ۴۵۷). قزاقستان از لحاظ مواد معدنی و منابع طبیعی بین کشورهای مستقل مشترک المنافع (به جز روسیه) مقام اول را

دارا می باشد. این کشور از لحاظ منابع زغال سنگ و نفت و گاز بسیار قوی می باشد. قزاقستان ۲۵ درصد از ذخایر شناخته شده اورانیوم جهان را در اختیار دارد. منابع نفت و گاز در اقتصاد قزاقستان از جایگاه ویژه ای برخوردار است. بدین ترتیب می توان اهمیت ژئوپلیتیکی قزاقستان را از چهار جهت مورد بررسی قرار داد:

- ایجاد ثبات در منطقه: تنوع قومی و نژادی (بیش از ۱۰۰ گروه نژادی)، خلع سلاح اتمی حرکت به سوی صلح و امنیت، ایجاد فضایی مناسب براساس اصول دموکراسی و اقتصاد بازار آزاد.
- الگویی تاریخی برای منع گسترش سلاح های هسته ای، انهدام زرادخانه های اتمی، اجرای پیمان منع گسترش سلاح های هسته ای و پیمان منع جامع آزمایشات هسته ای، ایجاد منطقه ای آزاد از سلاح های هسته ای.
- برخورداری از ذخایر غنی انرژی، نفت، گاز، زغال سنگ، اورانیوم و دیگر منابع معدنی و طبیعی
- مشارکت و حضور در مؤسسات و سازمان های بین المللی از جمله: اتحادیه آسیای مرکزی، سازمان امنیت و همکاری اروپا، برنامه مشارکت ناتو برای صلح و شورای مشارکت اروپا و آمریکا (احمدی لفورکی و میررضوی، ۱۳۸۴ و ۴۵۸)

اهمیت ژئوپلیتیکی فدراسیون روسیه

روسیه پهناورترین کشور جهان است، از این رو سرزمینی بسیار متنوع با ویژگی های مختلفی می باشد. روسیه دشوارترین شرایط ژئوپلیتیکی را پس از فروپاشی شوروی در منطقه پشت سر گذاشت، زیرا این منطقه یکی از کانون های ناآرامی و تنش زای قوم های مختلف است.

پس از پایان جنگ سرد، در منطقه آسیای مرکزی و حوزه دریای خزر یک خلاء ژئوپلیتیکی ایجاد شد. سیاست های درون گرایانه روسیه در مقطع اولیه فروپاشی شوروی، برای قدرت های خارج از منطقه این فرصت را پدید آورد که خلاء موجود را پر کنند.

جهت گیری استراتژیک روسیه در حوزه دریای خزر، آسیای مرکزی و قفقاز یک جهت گیری اقتصادی-امنیتی است. روسیه می کوشد ضمن گسترش منافع خود در منطقه، بر قدرت ژئوپلیتیکی خود بیفزاید و کشورهای این ناحیه را با خود همسو سازد تا به عنوان قلب دوم جهانی مطرح شود.

این واقعیت جغرافیایی وجود دارد که هیچ کشوری در جهان به اندازه روسیه در سمت گیری سیاست خارجی خود وابسته به ژئوپولیتیک نبوده است. چه در دوران شوروی (سابق) و چه بعد از جنگ سرد و نیز در قرن بیست و یکم که زمامداران روسیه خود را ملزم به رعایت آن می دانند.

موقعیت ژئوپلیتیکی روسیه سبب می شود که سمت گیری های چندگانه ای در سیاست خارجی خود داشته باشد و به این نتیجه برسد که از تمامی قومیت های جامعه جهانی به عنوان یک ضرورت استفاده کند. (۱۸)

اهمیت ژئوپولیتیکی جمهوری اسلامی ایران

ایران، گذشته از تلاش در راه گسترش مناسبات با کشورهای عربی در جناح جنوبی خلیج فارس، سخت می کوشد تا با افزایش ارتباط میان ژرفای ژئوپولیتیک شمالی خود (قفقازیه، دریای خزر و آسیای مرکزی) و در ژرفای ژئوپولیتیک جنوبی (منطقه خلیج فارس) به مقام بی همتای جغرافیایی خود میان این دو منطقه پویایی بخشد. این حرکت به صورت ایجاد شبکه هایی از جاده، راه آهن و لوله های نفت و گاز میان خلیج فارس و منطقه خزر- آسیای مرکزی، از راه ایران، خودنمایی دارد. برنامه ی عظیم ایجاد این شبکه ها برای پویا ساختن مقام بی همتای جغرافیایی ایران به عنوان عاملی ژئوپولیتیک، مورد حملات همه جانبه ی محور ایالات متحده- اسرائیل است. ایالات متحده، جمهوری آذربایجان را وادار کرد، تا پنج درصد از سهم خود در کنسرسیوم بین المللی نفت آن کشور را که به ایران واگذار شده بود در آوریل ۱۹۹۵ پس بگیرد.

واشینگتن هم چنین شرکت های تولیدکننده نفت و گاز دریای خزر را وادار ساخت تا حضور جغرافیایی ایران و منافع ملی اش را در آن منطقه مورد توجه قرار ندهند و موقعیت ممتاز سرزمین ایران را بعنوان سودمندترین راه صدور نفت و گاز هم از نظر امنیت راه و هم از لحاظ کوتاهی مسیر نادیده انگارند. در راستای این استراتژی، کنسرسیوم بین المللی نفت آذربایجان که اکثریت سهام آن متعلق به شرکت های آمریکایی و انگلیسی است. در سپتامبر ۱۹۹۵ تصمیم گرفت با کنار گذاشتن بهترین راه از خاک ایران، راه غیراقتصادی و بی بهره از امنیت روسی را که از چین و گرجستان می گذرد برای تأسیس لوله های نفت صادراتی آذربایجان برگزیند. (۱۹)

از دید جغرافیا، اهمیت دارد توجه شود که همه ی کشورهای منطقه خزر- آسیای مرکزی از دسترسی به دریای آزاد محرومند.

اگرچه خزر دریایی بسته است، ولی می تواند بازرگانی دریایی را میان این کشورها رونق بخشد. چنین دگرگونی، پاسخگوی نیاز جمهوری های خزر - آسیای مرکزی به دسترسی به بازارهای بین المللی از راه دریای آزاد نخواهد بود. یک راه حل منطقی در این برخورد را می توان در ایده ی ارتباط دادن جمهوری های خزر - آسیای مرکزی و افغانستان (از کشورهای منطقه آسیای مرکزی) به خلیج فارس از راه ایران جستجو کرد. پیوند دادن شبکه راه آهن و دیگر راه های ارتباطی این جمهوری ها و ایران یک موجودیت پرخروش اقتصادی منطقه ای را واقعیت خواهد بخشید. اوایل دسامبر ۱۹۹۱ قراردادی میان ایران و ترکمنستان به امضاء رسید که جمهوری های آسیای مرکزی را مجاز می سازد تا شبکه راه آهن خود را، از راه شبکه ی راه آهن ایران، به خلیج فارس امتداد دهند. در حالیکه قرارداد دیگری که همان هنگام میان تهران و مسکو امضاء شد، موانع مرزی میان ایران و جمهوری های خزر - آسیای مرکزی را از میان برده و ساکنین دو سوی این مرزها را مجاز می سازد تا ۴۵ مایل، در عمل تا گسترده ای ژرفتر، در خاک یکدیگر رفت و آمد کنند.

قرارداد دیگری که باز هم در آن هنگام میان ایران و قزاقستان امضاء شد همکاری در زمینه پژوهش و تکنولوژی اتمی میان دو کشور را واقعیت داد. نباید از یاد برد که قرار گرفتن مردم کشورهای ایران، افغانستان، جمهوری های خزر - آسیای مرکزی و تا حدودی پاکستان در مشترک المنافع امپراتوری های هخامنشی، اشکانی، ساسانی، در خلافت عباسی، در امپراتوری های سلجوقی، بودند برای رویارویی با دنیای ژئوپولیتیک تقسیم شده میان گروه های اقتصادی

آینده که از هم اکنون شکل می‌گیرد. پیوندهای استواری را میان این ملت‌ها به وجود می‌آورد که در مقام پدیده‌های متجانس محیطی، مفهوم منطقه ژئوپولیتیک متمایزی را در این بخش از جهان واقعیت می‌بخشد. منطقه ژئوپولیتیک متمایزی که می‌تواند بازار مشترکی را از کشورهای مستقل ایران، افغانستان، تاجیکستان، ازبکستان، قزاقستان، ترکمنستان و آذربایجان به وجود آورد. میدان گسترده‌ای از بهم پیوستگی اقتصادی و میزان قابل پذیرش از یکپارچگی در تصمیم‌گیری‌های سیاسی برای آمادگی جهت رویارویی با سیاست‌های یکپارچه دیگر گروه‌های اقتصادی، ضرورتی است که این بازار مشترک را موجودیتی پویا می‌بخشد نقش آفرینی مثبت چنین بازار مشترکی می‌تواند مرحله‌ی بعدی گسترش را به وجود آورد و کشورهای ترکیه و پاکستان و برخی از کشورهای خلیج فارس را نیز در برگیرد.

حرکت به سوی چنین سیستمی در این منطقه با دگرگونی‌های کنونی در ژئوپولیتیک جهانی هماهنگی خواهد داشت، حال آنکه تلاش در راه آرمان‌های کهنه شده امپراتوری‌سازی و یا تشکیل هر ساختار سیاسی زیر عنوان «پان» که نمایان‌گر اندیشه ابرملتی است و بخواهد موجودیت‌های سیاسی مستقل را در درون خود حل کند، محکوم به شکست است، یک بازار مشترک در این منطقه متجانس ژئوپولیتیک که زمینه‌های جغرافیایی و اقتصادی هر کشور در آن پاسخگوی کمبودهای جغرافیایی و اقتصادی دیگر کشورها در آن باشد، چشم‌اندازی است که سراسر منطقه را آماده رویارویی با جهان ژئوپولیتیک قرن بیست و یکم می‌سازد. (۲۰)

ایران تا به امروز نقش تاریخی خود را در این منطقه فراموش نکرده به تحولات حوزه دریای خزر علاقه ویژه‌ای دارد. ایران حضور و رقابت خود در این منطقه را نوعی تأمین «منافع حیاتی ملی» که مستقیماً بر امنیت این کشور تأثیر دارد، در نظر می‌گیرد آغاز قرن بیست و یکم موقعیت مهم دیگری برای کشورهای محصور بین روسیه و خلیج فارس به وجود آورد. اگر روزی سپر شمالی ایران را از تهدید شوروی محافظت می‌کرد، امروز خط تازه تأسیس، خط مرزی ژئوپولیتیک و بین‌المللی خواهد بود که از ملت‌های آسیای مرکزی در مقابل ارباب قبلی خود، روسیه محافظت می‌کند. روند کنونی تحولات نظام بین‌المللی بیانگر این است که کشوری نقش قدرت برتر جهانی را در سده بیست و یکم بازی خواهد کرد که بتواند بر منابع و خطوط انتقال انرژی به ویژه نفت و گاز تسلط داشته باشد از این رو ایران نقش بسیار مهم و محوری در ژئوپولیتیک حوزه دریای خزر و خلیج فارس دارد. دریاچه دریای خزر بیش از ۲۰۰ میلیارد شبکه نفت و ۲۷۹ تریلیون فوت مکعب گاز طبیعی را در خود جای داده و شرکت‌های نفتی تاکنون بیش از چهار میلیارد دلار برای استخراج این منابع انرژی هدیه کرده‌اند. ایران با دارا بودن بیش از یکصد میلیارد بشکه ذخایر نفتی جزو چهار کشور اول جهان است و با ۸۰۰ تریلیون فوت مکعب ذخایر گاز طبیعی اثبات شده، پس از روسیه مقام دوم را در اختیار دارد. در منطقه خاورمیانه سهم ایران از ذخایر اثبات شده گاز طبیعی ۵۸ درصد است ایران با یک درصد جمعیت جهان، ۱۵ درصد ذخایر گاز طبیعی جهان را در اختیار دارد. امنیت همه‌جانبه جهان در سده بیست و یکم به این محور استراتژیک بستگی دارد که ایران در متن آن قرار گرفته است.

منابع

- ۱- احمدی لفورکی، ب. و فیروزه م. (۱۳۸۴). «راهنمای منطقه خزر و کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی» انتشارات ابرار معاصر تهران.
 - ۲- اخباری، محمد، نامی، محمد حسن، (۱۳۸۹)، جغرافیای مرز با تأکید بر مرزهای ایران - تاشیر - سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
 - ۳- جفری کمپ و رابرت هارکاو (۱۳۸۳)، جغرافیای استراتژیک خاورمیانه جلد اول تألیف ترجمه: سید مهدی حسینی متین ۱۳۸۳.
 - ۴- رابرت هرکاو جغرافیای استراتژیک خاورمیانه، جلد اول ترجمه: سید مهدی حسینی متین.
 - ۵- مجتهدزاده، پیروز، عسکری، سهراب (۱۳۸۸)، جغرافیای سیاسی و ژئوپولیتیک (عمومی و ایران). این ارقام را پروفسور جفری کمپ Geoffrey Kemp در مقاله زیرین مورد استفاده قرار داده است.
- "Energy Superbowl" Nixon Centre For Peace and Freedom, Washington DC 1997, P.14.
- ۶- مجله فضای جغرافیایی، سال نهم، شماره ی ۲۵، بهار ۱۳۸۸.
 - ۷- یوسفی، اعظم (۱۳۷۷)، ژئوپولیتیک نفت دریای خزر، پایان نامه کارشناسی ارشد.
- 8- Clive Schofield and Martin Pratt, 1996, "Chaims to the Caspian Sea" Jane's Intelligence Review, February, P. 78.
 - 9- Forsythe, the Politics of Oil, P. 31.
 - 10- Michael Binyon, 1995, "Russia Challenges Turkey over Caspian sea Pipeline" the Times, September 15,.
 - 11- Scott Horton, and Natic Mamedov Legal Status of The Caspian sea, in Hooshang Amirahmadi ed, op. cit chapter Fifteen, P. 267.
 - 12- The Legal Status of The Caspian Sea, In Central Asia Vycheslav Gixxato, Quartetly Labyrinth, summer 1995.
 - 13- The Times of London as quoted in etteleat international London, 11 september 1995,